

دین من

انسانیت

من است!

نویسندگان:

فاروق رنجبر، یاسر قزل

و مجتهد آیت الله

https://t.me/anti_shobahat



«انجمن آنتی شبها»

تابع قوانین و مقررات کشور ایران است.

حوزه فعالیت: فلسفه دین و رد شبها.

ما را در صفحات زیر دنبال کنید

<http://Anti-Shobahat.com>

سایت :

[Instagram.com/Anti_Shobahat](https://www.instagram.com/Anti_Shobahat)

اینستاگرام :

[Aparat.com/Anti_Shobahat01](https://www.aparat.com/Anti_Shobahat01)

آپارات :

[@YaserGhezal](https://www.instagram.com/YaserGhezal)

آیدی جهت ارتباط

مقدمه

بنی آدم اعضا یکدیگرند
که در آفرینش زیبا گویند

چو عضو سر درد آورد روزگار
دگر عضو پا را نماند قرار

تو گز محنت دیگر را، بی غمی
تساید که نامت نهند آدمی

شیخ ابوالفضل سعدی (ره)

انسانیت یکی از مسائل مهم زندگی ما می باشد؛ به طوری که بدون آن، زندگی بسیار وحشتناک و سخت خواهد شد؛ به همین دلیل لزوم رعایت اخلاق و انسانیت را چه افراد دیندار چه بی دین قبول دارند. ولی گاهی این جمله را می شنویم که:

دین من انسانیت من است!

جمله ای که به بیانی به ادیان یا به دین اسلام، تهمت عدم رعایت انسانیت و نداشتن اخلاق را می زند و انسانیت را در مقابل دینداری قرار می دهد.

کسانی که ظاهراً عقایدی پر از مهربانی و عشق به طبیعت و بشر دارند، با کلمات و عباراتی بسیار زیبا و پر از مهر به تبلیغ این عقیده می پردازند. این مسئله را با بیان مواردی و استدلال هایی خدمت شما خوانندگان عزیز ارائه می دهیم.

هدف این به اصطلاح مبلغان انسانیت

افرادی در فضای مجازی یا حقیقی به تبلیغ انسانیت می پردازند؛ شعارهایی سر می دهند از قبیل:

- دین من انسانیت است و اعدام در آن جایی ندارد.
- دین من انسانیت است و چند همسری در آن وجود ندارد.

...و

در حالی که پاسخ به این شبهات به وفور توسط مسلمین داده شده است.

یا مثلا تصویری از یک بازیگر معروف که در حال دادن غذا به یک کودک گرسنه فقیر است را نمایش می دهند و این شخص که ممکن است یک بی دین یا غیرمسلمان باشد را الگوی انسانیت خود قرار می دهند.

سوالی هست که چرا:

✓ انسانیت را با ایجاد شبهه در ادیان تبلیغ می کنند؟!

✓ یا چرا از یک فرد غیرمسلمان انتخاب می شود برای این تبلیغ؟!

✓ چرا این افراد کل انسانیت را در دادن یک بطری آب یا غذا خلاصه می کنند؟!

✓ مگر مسلمانان زکات و صدقه نمی دهند پس چرا تصویری از مسلمانان در تبلیغات این سری افراد وجود ندارد؟!

✓ چند بار مشاهده شده که این افراد شعری از سعدی که در بالا گفته شد را بیان کنند و او را الگو قرار دهند؟!

از نظر آن ها انسانیت دادن یک کیک یا غذا به یک گرسنه است البته این کار بسیار زیباست و اسلام هم بی شک از این عمل حمایت می کند ولی انسانیت خیلی گسترده تر است!

مسئله دیگر این است که در باور این افراد آنها حق ازدواج با محارم، روابط جنسی آزاد با محارم و غیر آن، شیطان پرستی، همجنسبازی و... را دارند و کسی حق انتقاد از آن ها را ندارند و اینها را جزو مسائل شخصی هر شخص می شمارند ولی آن ها آزادند تا از عقاید شما یا اسلام انتقاد کنند و حرفشان را بزنند ولی شما هیچ حقی ندارید!!

عزیزان مشکل اصلی این افراد اسلام است نه دیگر مسائل، اکثر آن ها مبلغان انسانیت نیستند بلکه مبلغان بی بندوباری هستند و جز تخریب وجهه ادیان هدف دیگری ندارند.

آیا دین و انسانیت متضاد هستند؟!

به طور مثال کسی که محصل است یک برنامه تحصیلی هم دارد؛ حال آیا محصل بودن در تضاد با برنامه تحصیلی داشتن است؟! مسلماً خیر؛ به همین شکل هیچ تضادی بین انسانیت و دین وجود ندارد و یک فرد، هم می تواند دیندار باشد هم انسانیت داشته باشد.

دین، برنامه ای برای پیشرفت در انسانیت و انسانی هرچه بهتر شدن می باشد؛ پس هیچ وقت نمی توان انسانیت را از دین حق که اسلام است، جدا نمود. همانطور که برنامه تحصیلی داشتن برای محصلی هرچه بهتر شدن می باشد، دین داشتن نیز برای انسانی هرچه بهتر شدن می باشد.

انسانیت جزئی از اسلام است.

باید گفت طبق آموزه های اسلام، هر کس مسلمان باشد و قوانین و آموزه های این دین را به نحو احسن اجرا کند، هم یک دیندار و هم یک انسان عادل و بااخلاق خواهد بود. دین اسلام، ما را به انجام اعمال اخلاقی و انسانی ای مانند صداقت، کمک به نیازمندان، نیکی به پدر و مادر، نیکی به خلق خدا، خوش اخلاقی، صلح رحم، تهمت نزدن، غیبت نکردن و ... امر کرده است.

حال به آیاتی از قرآن و احادیثی از نبی اکرم که در مورد انسانیت بیان شده توجه می کنیم:

قال الله تعالی:

❖ ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾ ﴿سوره المائده﴾ ﴿٢﴾

«در نیکوکاری و پرهیزگاری، همکاری و به همدیگر کمک کنید.»

❖ ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ ﴿سوره المائده﴾ ﴿٣٢﴾

❖ ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ ﴿سوره المائده﴾ ﴿٣٢﴾

«هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین بکشد، مانند این است که همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، مانند این است که همه مردم را زنده کرده است.»

❖ ﴿وَأَقْبِلُوا الْحَسَنَاتِ﴾ ﴿سوره الحج﴾ ﴿٧٧﴾

«عمل خیر انجام دهید؛ شاید که رستگار شوید»

❖ ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ ﴿سوره البقره﴾ ﴿٢١٥﴾

«هر عمل نیکی انجام دهید، خدا به آن آگاه است.»

❖ ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَبُحُكْمٌ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ

وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي

الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ

الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ سورة البقره

«نیکی آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد. و مال خود را، با آنکه دوستش دارد، به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گدایان و دربندماندگان بیخشد. و نماز بگزارد و زکات بدهد. و نیز کسانی هستند که چون عهدی می‌بندند بدان وفا می‌کنند. و آنان که در بینوایی و بیماری و به هنگام جنگ صبر می‌کنند، اینان راستگویان و پرهیزگارانند.»

❖ ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ

وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُجُورًا

﴿سورة النساء﴾ ۳۶

«تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی دارد»

❖ ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ سورة الأعراف ﴿١٩٩﴾

«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم پوشی کن.»

❖ ﴿..... فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ سورة الحجر ﴿٨٥﴾

«عفو کن و درگذر؛ عفو نیکو و پسندیده.»

❖ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا.....﴾ سورة آل عمران ﴿٢٠٠﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبایی ورزید و استقامت و پایداری کنید.»

❖ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا

يُعْطِيكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ سورة النساء ﴿٥٨﴾

«خداوند امر می کند که امانت ها را به صاحبان آن ها برگردانید. و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می دهد، که خدا شنوا و بیناست.»

❖ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ سورة صف ﴿٢﴾ ❖

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید.»

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

ذَكِيرٌ﴾ سورة الحجرات ﴿١٣﴾

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را جماعت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!

سهل بن سعد (رض) روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمودند:

«من و کفیل یتیم، در بهشت، این چنین هستیم به دو انگشت میانه و سبابه اشاره نمود و آن ها را از هم جدا کرد» [بخاری ۵۳۰۴]

از عبدالله بن عمر (رض) روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند:

«بهترین دوستان نزد خدا، کسی است که برای دوستش بهتر و بهترین همسایه ها نزد خدا، کسی است که برای همسایه ی خود بهتر باشد» [ترمذی ۱۹۴۵]

پیامبر ﷺ در خطبه الوداع که در اواسط ایام تشریق آن را ایراد نمودند می فرمایند:

« أَيُّهَا النَّاسُ ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ ، أَلَا وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجْمِيٍّ ،

وَلَا لِعَجْمِيٍّ عَلَيَّ عَرَبِيٍّ ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَيَّ أَحْمَرَ ، وَلَا أَحْمَرَ عَلَيَّ أَسْوَدَ ، إِلَّا بِالتَّقْوَى ». [مسند امام

احمد شماره ۲۳۴۸۹]

«ای مردم! همانا پروردگار شما یکی است و همانا پدر شما یکی است، آگاه باشید که هیچ فرد عربی بر عجمی و یا عجمی بر عربی، سرخ پوست بر سیاه پوست و سیاه پوست بر سرخ پوست، فضیلت و برتری ندارد، مگر از جهت تقوا.»

حال با توجه به آیات و احادیث بالا خود قضاوت کنید ببینید نظر اسلام در مورد انسانیت چیست.

دین انسانیت به تنهایی منبع اخلاقی ندارد.

این موضوع را با طرح چند پرسش آغاز می کنیم:

- به نظر شما اشخاصی که دین ندارند، چه معیاری برای انسانیت خود دارند؟
- آیا برداشت یک بی دین از انسانیت بر بنای عقلش، با برداشت فرد دیگری از انسانیت، یکسان است؟
- آیا معیارهای انسانیت کسانی که دین ندارند، با تغییر مکن یا زمان یا تغییر شرایط شخصی این افراد، تغییر نمی کند؟
- آیا برداشت یک انسان از انسانیت در ۲۰ سالگی با ۸۰ سالگی اش، یکسان است؟
- چه چیزی می تواند دلیل غلبه انسانیت این افراد بر تمایلات و هوی و هوسشان باشد؟

برای مثال:

در ایالت‌های مختلف آمریکا، مجازات و قوانین در نظر گرفته شده برای موضوعی یکسان، متفاوت است؛ حال اگر انسانیت، به راحتی قابل درک با عقل باشد، چگونه قانون‌گذاران به نتایج مختلفی رسیده‌اند؟!

یا در مثالی دیگر:

چندی پیش در کشور آمریکا، سقط جنین ممنوع شد؛ در پی این ممنوعیت، عده‌ای، بالاخص زنان، مخالفتشان با قانون را اعلام کردند و عده‌ای نیز موافق و هم‌نظر با این قانون بودند؛ حال سؤال اینجاست؛

چرا قوانین انسانی برای انسان‌های کوناگون، متفاوت است؟!

مطمئناً برای افراد حق‌جو و عاقل، طرح سؤالات بالا، برای درک این که «انسانیت بدون خدا و دین غیر ممکن است.» کافیست؛ ولی برای توضیح بیشتر باید گفت:

اگر انسانیت را از دین جدا کنیم، دو راه برای به دست آوردن آن باقی می‌ماند:

۱- منظور از انسانیت، آن چیزی است که از نظر هر شخص، خوب و اخلاقی است.

۲- منظور از انسانیت، آن چیزی است که از نظر جامعه، خوب و اخلاقی است.

در مورد گزینه‌ی اول باید گفت در این صورت هر شخصی هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد و می‌گوید این کار درست است! پس این گزینه کاملاً اشتباه و باطل است.

در مورد گزینه‌ی دوم باید گفت، هر جامعه، معیارهای انسانیت خود را ارائه می‌دهد و می‌دانیم که این معیارها در نقاط مختلف جهان یکسان نیست؛ پس به نتیجه‌ی واحدی از انسانیت نمی‌رسیم! پس این گزینه هم کاملاً اشتباه است؛ چون تعریف واحدی از انسانیت ارائه نمی‌دهد؛ لاجرم انسانیت بدون دین چنین نتیجه‌ای می‌دهد!

دین برای انسان محدودیت می آورد!

دین متشکل از مجموعه ای از قوانین است که برای اصلاح فرد و جامعه نهاده شده اند.

ما مسلمانان عبادت می کنیم، زکات می دهیم، در عین حال به معاد و بهشت و جهنم اعتقاد داریم، به بهشت امیدواریم و برای آن تلاش می کنیم و از جهنم گریزانیم.

خب چگونه کسی که به خداوند ایمان دارد و هر روز حداقل پنج بار او را یاد می کند و شبانه روز تلاش می کند تا رضایت خداوند را جلب کند، گناه کند؟!

عبادت و ایمان یک فرد دیندار باعث می شود که به کارهای ناپسند روی نیآورد و از گناه و آزار هم نوع خود و حیوانات و ایجاد فساد در جامعه و... بپرهیزد و در عین حال طبق دستورات دین به والدین خود و حقوق دیگران حتی حیوانات احترام بگذارد و در نهایت در حد اعلا ی کلمه انسان باشد و آزارش نه تنها به خود، بلکه به جامعه هم نرسد.

پس چرا بسیاری از افراد دیندار احساس، دزدی و... می کنند؟

در واقع آن ها دیندارانی نیستند که اختلاس می کنند بلکه اغلب اختلاسگرانی هستند که نماز می خوانند، منافقانی هستند که جامه اسلام و ایمان به تن کرده اند تا بدین وسیله خود را در میان مردم مومن معرفی کرده، و به اهداف خود برسند.

البته نکته ای وجود دارد که هرکس که گناهی یا اشتباهی کند دلیل بر این نیست که از آن دسته از منافقان باشد که از نماز و عبادت خود سوء استفاده می کنند، چراکه ایمان در افراد مختلف متفاوت است و هرچه مسلمان ایمانی صحیح و قوی تر داشته باشد از گناه دورتر است اما خب هیچ انسانی کامل نیست و ممکن است خطایی از او سر بزند.

حال برمی گردیم سر بحث اصلی؛ کسانی که می گویند دین من انسانیت است:

آیا در دین این افراد زنا؛ کار اشتباهی است؟!

آیا ارتباط جنسی با خواهر؛ کار اشتباهی است!؟

آیا در دین این افراد شراب خواری بد شمرده شده است!؟

خواهید دید هیچ محدودیتی برای این دین وجود ندارد چون همانطور که قبلا بیان کردیم اصلا منبعی برای اخلاق ندارد و پتانسیل هرگونه فساد را دارا است.

نیاز به محدود بودن و یا نیاز به عبادت را حتی **اگوست کنت** (که جامعه شناس بزرگیست) بیان کرده است.

حال که از این جامعه شناس سخن به میان آمد، اشاره ای نیز به دین ایشان داشته باشیم:

اگوست کنت یک آنتیست بود اما عقیده داشت جامعه به دین نیازمند است اما دینی عاری از مسائل غیبی و او در قرن نوزدهم دینی بنام انسانیت بنا نهاد دینی که کشیش داشت، عبادت هایی داشت و حتی خود او پیامبر آن دین بود پیامبری بی خدا و حتی می گویند برای مسائل عبادی دین خود از مسیحیت اقتباس کرده است. [آثار شهید مطهری جلد ۲۳ صفحه ۶۷۶] غرض از بیان این مطلب این بود؛ ایشان که پدر علم جامعه شناسی است به نیاز عبادت و محدودیت انسان اقرار کرده است.

آیا طرز پوشش یا دیگر گناهان فقط یک مسئله شخصی است؟

برخی ها گمان می کنند کل انسانیت یعنی دادن یک تکه نان به گرسنه و در بقیه موارد آزاد هستند تا هرگونه کاری را که بخواهند انجام دهند و به کسی مربوط نیست در حالی که خیلی از اعمال این افراد بعد اجتماعی نیز دارد و ممکن است برای جامعه ضرر آفرین باشد.

چندی پیش بود در امریکا که دو خواننده زن در اجرایی میان یک برنامه ورزشی لباس مناسبی به تن نداشتند و به همین دلیل شکایات زیادی از طرف مردم شد که لباسی که آن دو خواننده به تن کرده بودند برای کودکان و نوجوانان مناسب نبوده و خیلی از مردم ابراز تاسف کردند که مجبور شدند همراه با خانواده چنین اجرایی را در تلویزیون تماشا کنند!

باری دیگر در خبری شنیدیم؛ زمانی که یک خانم قصد مسافرت با هواپیما را داشت در حالی که روی صندلی هواپیما نشسته بود؛ بخاطر پوشش نامناسب و محرک به دستور رئیس آن شرکت از هواپیما پیاده شد و از پرواز جا ماند!

یا با یک جستجوی ساده میتوانید از قوانین پوشش در دانشگاه های اروپا و امریکا اطلاع پیدا کنید بطوری که حتی در این قوانین اندازه و رنگ لباس مشخص شده است.

شما می‌توانید در سایت های این دانشگاه ها در قسمت *student Handbook* به این اطلاعات دسترسی داشته باشید.

همانطور که می‌بینید قانون در همه جا وجود دارد و باید هم وجود داشته باشد ما باید طوری زندگی کنیم که برای اطرافیان خود ضرر آفرین نباشیم و آزاری به دیگران نرسانیم.

قوانین هر جامعه نسبت به فرهنگ و عقاید آن جامعه است و ما باید طبق دین انسانیت این افراد به عقاید دیگران احترام بگذاریم. اگر مردم یک جامعه اکثرا مسلمان باشند آیا داشتن یک پوشش ناقص و محرک در آن جامعه برخلاف انسانیت نیست؟!

آیا ترویج زنا و گناه در آن جامعه برخلاف انسانیت نیست؟!

کاش این مبلغان انسانیت نیز خود انسان باشند!

انسانیتی که می‌گویند چیست؟

این قسمت مختص آتئیست‌ها است آن‌هایی که ماتریالیست هستند و نه به روح آدمی و نه مسائل غیبی اعتقاد دارند و می‌گویند: دین من انسانیت من است.

خب ماهم می‌خواهیم بگویند انسانیتی که از آن دم میزنند از کجا می‌آید؟!

از وجدانشان؟ از علم و دانش؟ یا از خلق و خوی؟ از کجا؟!

اگر از وجدان خود تبعیت می‌کنند، خب لطفا بگویند اصلا وجدانشان چیست؟!

اگر می‌گویند علم و دانش منبع انسانیت است، باید بگویند چه علمی مثلاً آیا انسان ترین فرد از نظرشان انشتین است یا استیفن هاوکینگ یا برتراند راسل...!

اگر از خلق و خوی خود استفاده می‌کنند باید گفت خلق و خوی افراد متفاوت است ولی انسانیت یکیست. مثلاً همه می‌دانیم که خلق و خوی آقای هیتلر با خوی بنده و شما متفاوت است حال کدام یک انسانیت صحیحی داریم؟!

یا این نکته که برخی افراد خوی وحشیگرانه یا خشن دارند یا هر خوی بد دیگر؛ خود دلیلی بر نیاز به دین نیست تا رفتار این افراد را به کنترل دریاورد؟!

مهمترین شاخصه‌ی انسانیت:

کسانی که می‌گویند: دین من، انسانیت است، معتقدند که برای انسانی نیک بودن، نیازی به باور به دین نیست .

اما یکی از مهمترین ویژگی‌های انسان، عقلانیت است؛ تفاوت اساسی میان انسان و حیوان در وجود قوه عقلیه در انسان است. می‌دانیم که ایمان آوردن افراد بی‌عقل، لازم نیست؛ یعنی ایمان مورد قبول، ایمانیست که با انتخاب عاقلانه شکل گرفته باشد. افراد دیوانه به دلیل نداشتن قوه عقلیه در خصوص باورها و عقاید، مورد قضاوت قرار نمی‌گیرند؛ اما باورهای انسان عاقل بایستی عقلانی باشند.

انسان با استفاده از عقل خود به بررسی گزاره‌ها می‌پردازد؛ صحیح را از ناصحیح تشخیص داده و از درستی‌ها پیروی می‌کند. اگر ما به بررسی صحت و سقم باورها ایمان نپردازیم، انسانی نامعقول خواهیم بود. اگر پس از تشخیص حق و باطل تابع حق و حقیقت نباشیم، انسانی کافر خواهیم بود.

پس انسانی که از عقل خود استفاده نکند نمی‌تواند انسان نیکی باشد؛ در صورتی که طرفداران دین انسانیت در مواجهه با دلایل بسیار حقانیت دین الهی به انکار و عدم قبول دین الهی بپردازند، چطور می‌توانند مدعی انسانیت باشند؟ چطور می‌توانند بگویند برای انسانی نیک بودن لازم نیست که به دین الهی باور داشته باشیم؟

ما پیش از این بارها چندی از دلایل الهی بودن دین اسلام را ذکر کرده‌ایم.

به طور مثال، برای مشاهده برخی از این دلایل می‌توانید به مستند «**۱۲ دلیل قدرتمند الهی بودن**

قرآن» که در انجمن آنتی شبّهات منتشر شده است، مراجعه کنید.

انسانیت بدون داشتن برنامه‌ای برای پیشرفت در انسانیت!؟

واضحاً برای پیشرفت در انسانیت و انسانی هر چه بهتر بودن، نیازمند برنامه‌ای می‌باشیم. انسان عاقل و نیک کسی است که بهترین برنامه موجود برای این امر را انتخاب و بر طبق آن عمل کند.

بهترین برنامه برای انسانیت را چه کسی می‌تواند ارائه کند؟ واضحاً خداوند خالق انسان است که می‌تواند این برنامه را ارائه کند. دین الهی و انسانیت در تضاد با یکدیگر نیستند؛ دین الهی بهترین برنامه برای پیشرفت در انسانیت و انسانی نیک بودن می‌باشد.

انسانی که به وجود خدا باور دارد، انتظار خواهد داشت که از سوی خداوند برنامه‌ای برای طی مسیر کمال ارائه شود. زیرا صانع عالم در کنار صنع، راهنمای طرز استفاده از آن را نیز ارائه می‌کند.

خداوند صانع عالم نیز در کنار خلق انسان، راهنمای طرز زندگی صحیح را هم ارائه کرده است.

برای کسی که باور به عدم وجود خداوند خالقِ صانعِ عالم دارد نیز پیش از این بارها چندی از دلایل وجود خداوند را ارائه کرده‌ایم.

به عنوان مثال می‌توانید به مستند «**پنج برهان مهم اثبات وجود خدا**» که در انجمن آنتی شبّهات

منتشر شده است، مراجعه کنید

حقیقت کفر و ایمان

طرفداران دین انسانیت حقیقت کفر و ایمان را درک نکرده‌اند که می‌گویند؛ تصدیق یا انکار وجود خدا و دین خدا اهمیت چندانی ندارد، مهم این است که با هر عقیده‌ای که داریم کارهای نیک انجام دهیم...

متأسفانه آنها نمی‌دانند که انکار و نادیده گرفتن وجود خدا و دین او بدترین اعمال است.

در حالی که مرتکب چنین عمل بدی می‌شویم، چطور می‌توانیم دم از نیکی و خوبی بزنیم؟

در هر مملکتی که باشید، در صورت بی‌حرمتی، انکار و نادیده گرفتن مأموران حکومتی با مجازات‌هایی بسیار سنگین مواجه خواهید شد.

دقیقا به همین شکل عالم نیز مملکت الهی است و تمام اجزای عالم در حکم مأموران حکومتی خداوند می‌باشند، اگر شخصی متکبر به انکار، تحقیر و نادیده گرفتن آنها و وظایف الهی آنها پردازد، بدون شک مستحق بدترین مجازات‌ها خواهد بود.

انما الاعمال بالنیات

بسیاری از طرفداران دین انسانیت، رضای الهی را در اعمال خویش مد نظر قرار نمی‌دهند، آنها می‌گویند؛ چه اهمیتی دارد به خدا و دین خدا باور داشته باشی یا نداشته باشی؟ مهم این است که با هر باور و عقیده‌ای که داری کار نیک را انجام بدهی...

نکته‌ای که این افراد در این نقطه به آن توجهی نمی‌کنند، این حقیقت است که خوبی و بدی اعمال با توجه به نیت موجود در پس اعمال سنجیده می‌شود.

با ذکر مثالی توضیح می‌دهم که خواهان بیان چه مطلبی هستیم:

تصور کنیم که شخص خیری به یکی از مأموران خود مقداری پول می‌دهد، مأموریت او این است که با این پول بر روی رودی پلی بسازد تا مردم بتوانند به راحتی از رود عبور کنند.

اما آن مامور پس از دریافت پول و ماموریت، با سوءاستفاده از این پول و با انکار آن شخص خیر، آن پول را به نام شخص خودش بنا می‌کند. حال شما خواننده گرانقدر با متصور شدن چنین وضعیتی پاسخ بدهید؛ آیا این عمل آن مامور، به عنوان عملی خیر در کارنامه اعمالش ثبت خواهد شد؟

آیا این مامور، شخصی متقلب و قدر شناس نیست؟

بدون شک پاسخ اهل حق و انصاف به سوال اول، خیر و به سوال دوم، بله هست، خواهد بود.

حال، دقیقاً به همین شکل فوق الذکر؛ شخصی را تصور کنیم که پس از دریافت تمام نعمات الهی مانند جان، دست، پا، چشم، گوش، پدر، مادر و ...، خدا و دین او را انکار کرده و با تکبر هرچه دارد را از خود و از آن خود دانسته است.

خداوند با تعیین وظایف و ماموریتی او را خلق کرده است، اما او ماموریت خویش را انجام نداده است. به جای اینکه اعمال را به نام خدا و برای رضای الهی انجام دهد، تمام اعمال خیر را به نام خودش جا زده است.

حال شما خواننده گرانقدر با تصور چنین شخصی، پاسخ بدهید؛ آیا می‌توان اعمال این شخص را به عنوان اعمالی خیر در کارنامه اعمالش ثبت کرد؟ آیا این مامور، شخصی متقلب و قدر شناس نیست؟ بی‌تردید پاسخ سوال اول خیر، و پاسخ سوال دوم بلی هست، خواهد بود.

همانطور که از مطالب فوق الذکر نیز فهمیده شد، این غرور و تکبر است که باعث می‌شود، برخی از ما به جای خداپرستی، خودپرستی را انتخاب کنیم و به جای دین الهی، دین انسانی را قرار دهیم... به همین دلیل است که تکبر از بزرگترین گناهان است،¹ زیرا تکبی تنها یک گناه نیست بلکه دروازه‌ای

رو به سوی سه گناه²

